

علم اصول الفقه

۲۳

۱۰-۸-۸۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- با نگاه به اواسط قرن ششم (ظهور ابن زهره و ابن ادریس) تا اوایل قرن یازدهم (پیدایش عالمانی چون صاحب معالم، شیخ بهایی و فاضل تونی)، خصوصیات و ویژگی‌هایی را در علم اصول مشاهده می‌کنیم:

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- ۱- در این دوران ترتیب اصولی ذریعه‌ی سید مرتضی تقریباً حفظ شده است. البته تغییرات جزئی و جابه‌جایی بعضی مباحث مثل تقدم بحث اجماع بر بحث قیاس یا بالعکس، وجود دارد؛ اما تغییر جدی در مباحث اصول دیده نمی‌شود.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- ۲- غیر از ابن زهره و ابن ادریس که احیاگر مبانی سید مرتضی هستند، بقیه‌ی اصولی‌های این دوران بر مبنای شیخ طوسی مشی می‌کنند. همه‌ی آنها حجیت خبر واحد را پذیرفته‌اند.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- ۳- مباحث در این دوران نوعاً مقارن با آرای سنی مطرح می‌شود و همان گونه که سید مرتضی و شیخ طوسی در بحث‌های خود ناظر به آرای اهل سنت هستند، ابن زهره، محقق حلی، علامه حلی و حتی صاحب معالم کاملاً به دیدگاه‌های اهل سنت توجه دارند و بحث‌ها را به صورت تطبیقی مطرح می‌کنند.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- اگر کسی ابتداءً به کتاب‌های اصولی این دوران مراجعه کند، با توجه به آرای که در آنها نقل شده است، متوجه سنی یا شیعه بودن نویسندگی کتاب نمی‌گردد. چون آرای شیعه و سنی به صورت فراوان در لابه‌لای بحث‌ها گنجانده شده است.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- ۴- در این دوران خیلی به مباحث اصول عملیه توجه نشده است. این مباحث تا زمان صاحب معالم تقریباً به همان مقدار است که سید مرتضی بیان نموده است. سید مرتضی بحث‌هایی در مورد استصحاب و مطالب پراکنده‌ای حول برائت داشت. یعنی در فاصله‌ی قرن چهارم تا قرن یازدهم، بحث‌های اصول عملیه هیچ رشد علمی نکرده است.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- ۵- در این دوران مباحث غیر مستقلات عقلی که در زمان سید مرتضی هم مطرح بود، مورد بحث است. مباحثی مثل «نهی شیء مقتضی نهی از ضد است» در آثار اصولی این دوران دیده می‌شود. اما چندان اثری از بحث مستقلات عقلیه در این دوران نیست و چندان اعتنایی به این مباحث نمی‌شود، مگر به صورت استطرادی و پراکنده.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- البته قابل توجه است که بسیاری از بحث‌هایی که در ادامه‌ی سیر اصول، به عنوان مباحث عقلی طرح می‌گردد، در لابه‌لای مباحث اصولی این دوران هم دیده می‌شود؛ به خصوص غیر مستقلات عقلیه که از همان ابتدا در آثار سید مرتضی و شیخ طوسی هم وجود داشت.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- ۶- اختلاط برخی بحث‌های کلامی با بحث‌های اصولی و وجود آرای متکلمان در لابه-لای مباحث اصولی، به خصوص آرای که در مسایل اصولی نقش پیدا می‌کنند، از چیزهایی است که در این دوران همچنان محفوظ مانده است. از این روی، فراوان شاهد آرای شخصیتی مثل نظام، یک متکلم معتزلی، در آثار اصولی این دوران هستیم.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- ۷- علمای اصولی این دوران و حتی قبل از آن در دوران شیخ طوسی، به اصول به عنوان یک بحث و علم آلی که مقدمه‌ی فقه و ابزاری در دست فقیه است، نگاه می‌کردند و وقتی به اصول در کنار فقه نظر می‌افکنیم، این نکته کاملاً آشکار است.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- از این روی برخی از آنها، مباحث اصول را به عنوان مقدمه‌ی مباحث فقهی خودشان مطرح کردند؛ مثل ابن زهره در «غنیه» و صاحب معالم در «معالم الدین». معالم الدین در واقع یک کتاب فقهی است که مقدمه‌ی آن به عنوان یک کتاب اصولی شهرت یافت و به صورت مستقل مورد توجه قرار گرفت.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- با توجه به همین مطلب است که در این دوران طولانی - از حدود قرن پنجم تا قرن یازدهم هجری - شاهد کم بودن حجم کتاب‌های اصولی در مقایسه با حجم کتاب‌های فقهی هستیم. تعداد کتاب‌های اصولی این دوران نیز در مقایسه با کتاب‌های فقهی بسیار کمتر است.

ویژگی‌های بحث‌های اصولی در عصر شکوفایی

- به تعبیر دیگر اصول نسبت به فقه از حیث کمی و کیفی، حجم کمتری از مباحث را به خود اختصاص داده است. حتی نویسندگان پرکاری مثل علامه که چندین کتاب در اصول دارند، کتاب‌های فقهی آنها به لحاظ تعداد به مراتب بیشتر از کتاب‌های اصولی و به لحاظ حجم، حجیم‌تر از آنها است. شاید تمام کتاب‌های اصولی علامه از نظر حجم به اندازه‌ی حجم کتاب تذکرة الفقهای او نباشد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- اوایل قرن یازدهم یعنی دوران صاحب معالم، شخصیتی ظهور کرد که تأثیری در علم اصول داشت. هر چند این تأثیر، یک تأثیر منفی بود، اما در ادامه، تبدیل به یک جریان مثبت شد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- این شخصیت یعنی امین استرآبادی که ده سال بعد از صاحب معالم از دنیا رفته است، با ارایه‌ی آرای جدید (اخباری-گری) باعث گردید اصول در جریان تحولات جدید قرار گیرد و بحث‌هایی طرح شود که تا آن زمان کمتر مطرح گشته بود. وی اخباری-گری را به عنوان یک مذهب و مکتب در مباحث فقهی مطرح کرد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- قبلاً بیان کردیم که شیخ طوسی در مبسوط، حال علمای زمان خویش را وصف نمود و گفت: آنها به ظاهر حدیث اکتفا می‌کنند و اگر لفظ مسأله‌ای تغییر کند، آنها تعجب نموده آن را نمی‌فهمند.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- عبارات شیخ طوسی، سطح فقاہت علمای زمانش را بیان می‌کرد. از آن دوره به اخباری-گری کهن یاد می‌کنیم. بعد از گذشت تقریباً شش قرن، امین استرآبادی (متوفای ۱۰۲۱) اخباری-گری نوین را پایه-ریزی کرد و باعث گسترش مکتب اخباری در اواخر قرن یازده و در طول قرن دوازده شد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- مکتب اخباری حمله‌ی جدی نسبت به علم اصول داشت. خود امین استرآبادی از تعابیر بسیار تند در مورد اصولی‌ها و به قول خودش مجتهدان استفاده می‌کرد و بسیاری مسلمات بحث‌های اصولی آن زمان را به عنوان بدعت در دین می‌دانست. برخی از آنها عبارتند از:

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- ۱- از گذشته همواره ادله‌ی احکام را چهار تا می‌دانستند: کتاب، سنت، عقل و اجماع.
- امین استرآبادی ادعا کرد دلیل بودن عقل و اجماع بدعتی در دین است.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- ۲- از اولین آثار اصولی به بحث اجتهاد و تقلید پرداخته شده و در قدیمی ترین کتاب های اصولی به این بحث اشاره شده است.
- امین استرآبادی ادعا کرد طرح اجتهاد و تقلید و مجتهد خواندن یک عده و مقلد خواندن دیگران از بدعت-هایی است که اصولی ها راه انداخته اند.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- ۳- امین استرآبادی شمشیر خویش را متوجه فقها و اصولی‌های قبل از خودش کرد و ادعا نمود آنچه مطرح می‌کند نظریه‌ی جدیدی نیست و این همان نظریه‌ای است که فقهای شیعه به آن پای-بند بودند ولی بعدها مورد غفلت واقع شده است.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- او اصرار بر اثبات اخباری بودن کسانی چون کلینی و صدوق داشت و خود را نیز با اخباری-گری کهن در یک ردیف معرفی می-کرد. وی کلام علامه حلی را که از عده‌ای از علمای امامیه به اخباری یاد می‌کرد، شاهدهی بر مدعای خویش می‌دانست.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- در حالی که باید توجه داشت اخباری-گری کهن یعنی دوران مرحوم کلینی و صدوق با اخباری-گری نوین یعنی زمان استرآبادی و بعد از او، کاملاً متفاوت است. اخباری-گری کهن یک امر طبیعی بود. سطح علمی روزگار مرحوم کلینی و صدوق بیش از اکتفا به ظاهر نصوص را اقتضا نمی‌کرد. در نزد آنها تفریعات کمتر مطرح می‌شد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- کتاب‌های اولیه‌ی فقهی بسیار به کتاب حدیث نزدیک بودند. کتاب پدر مرحوم صدوق که یک کتاب فقهی بود، عین متن احادیث را در بر داشت تا آنجا که مرحوم صدوق اگر در مسأله‌ای روایتی نمی‌یافت، به کتاب پدر خویش مراجعه می‌کرد؛ زیرا اعتقاد -داشت هر چه در آنجا گرد آمده، متن یک حدیث بوده است. شیخ طوسی نهایی خویش را بر همین اساس نوشت.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- این سطح از فقاہت توسط شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی رشد چشم-گیری یافت. مبسوط با نهایه به لحاظ گسترش مباحث و وجود تفریعات، اصلاً قابل مقایسه نیست. این اختلاف سطح حتی در خود کتاب‌های شیخ طوسی وجود دارد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- اما اخباری-گری نوین و ادعای پیمودن راه سلف صالح در روزگاری طرح می‌شود که سال‌ها از مباحث اصولی گذشته است. مباحث اصولی و فقهی گسترش و رشد یافته و کتاب‌های مفصل فقهی مثل تذکره، مختلف، منتهی به عرصه‌ی وجود آمده‌اند.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- کلام علامه حلی نیز به تعبیر شهید صدر، بیانگر همان تفکر فقهی است که در زمان شیخ طوسی وجود دارد و شیخ از آن تفکر در مبسوط خود یاد کرده است.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- این مسأله، مورد توجه علمای پیشین هم قرار گرفته و آنها بر تفاوت این دو تأکید کرده‌اند. شیخ محمد تقی اصفهانی (متوفای ۱۲۴۸ هـ. ق) در کتاب هدایة المسترشدين به تفاوت اخباری-گری نوین و قدیم و سطح فکری علمای آن زمان می‌پردازد و می‌گوید: فرق اخباری‌های گذشته با اصولی‌ها در این بود که اخباری‌ها به متن حدیث اکتفا می‌کردند و تفریعات چندانی در مباحث فقهی آنها دیده نمی‌شد. اما اصولی‌ها بحث-شان را مفصل‌تر و با فروعات بیشتر مطرح می‌کردند. علت این اختلاف ضعف اخباری‌ها به لحاظ توانایی‌های استنباط بود.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- بنابراین درست است که در دوران اخباری-گری نوین نیز اطلاعات اخباری‌ها ضعیف بود و حتی خود امین استرآبادی اطلاعات کمی داشت، اما زمانه، زمانه‌ی امکان یافتن اطلاعات است. منابع فراوان اصولی و فقهی در اختیار علما بوده است. پس مشکل اخباری-گری نوین، مشکل اخباری-گری کهن نبود و بین آنها تفاوت وجود داشت.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- صاحب حدائق، شیخ یوسف بحرانی (متوفای ۱۱۸۶ هـ. ق یعنی حدود ۱۶۰ سال بعد از امین) که خودش به عنوان فقیه اخباری مطرح است و گرایش اخباری دارد، بر ظهور اخباری-گری به عنوان یک مذهب در زمان امین استرآبادی اعتراف می‌کند و می‌گوید: در گذشته‌ی شیعه، شاهد محدثان و مجتهدان هستیم؛ محدثانی چون کلینی و صدوق و مجتهدانی چون شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی. اما بین آنها اختلاف و جنگی که امروز مشاهده می‌کنیم، نمی‌بینیم. این اختلاف و جنگ توسط امین استرآبادی ایجاد شده است.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- صاحب حدائق در احوال خود عباراتی این چنین دارد: من مذهب اخباری‌ها را داشتم اما وقتی تأمل و دقت کردم و بحث‌هایی با علمای اصولی داشتم (و مراد او بحث‌هایش با وحید بهبهانی است)، به این نتیجه رسیدم که نمی‌توان از این مکتب تبعیت نمود.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- از این روی صاحب حدائق خودش را اخباری نمی‌داند. وی در دلیل این ادعا می‌گوید: مکتبی که اخباری‌ها به راه انداختند، نتیجه‌ای جز حمله به علمای بزرگ گذشته ندارد.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- صاحب حدائق هر چند از امین استرآبادی با احترام یاد می‌کند، اما معتقد است او در حمله به شخصیت‌های گذشته خطا کرده است. از جمله علمای مورد نظر او، علامه‌ی حلی است که از وی به عنوان «آیه الله علامه» یاد می‌کند. علامه‌ی حلی در نگاه صاحب حدائق شخصیتی است که زحمات فراوان برای گسترش، معرفی و تثبیت ارکان مکتب تشیع کشیده و دیگران حق ندارند او و امثال او را به عنوان بدعت-گذار و شخص خارج از دین معرفی نمایند.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- بحث‌های امین استرآبادی باعث گردید در دوره‌ای علمای اخباری کتاب‌های اصول را به عنوان کتاب ضلال تحریم و داشتن این کتب را مثل کتاب‌های ضد دین، نشانه‌ای از کفر و الحاد معرفی نمایند. حتی نقل کردند شخصیت‌های بزرگی از اخباری‌ها، کتاب‌های اصول را با انبر بر می‌داشتند تا مبادا دستشان نجس شود.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- . ربک: شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۲.
- . ربک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۳۷؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۷۶ - ۷۷.
- . ربک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۷۶ - ۸۲.
- . ربک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۳۷.
- . بحثی که در ادامه، در تاریخ معاصر به فقه کشیده شد و جایگاه اصلی خودش را یافت.

فصل چهارم: ظهور اخباری-گری

- . ر.ک: محمد امین استرآبادی، الفوائد المدنیة، صص ۴۳- ۴۴؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، ص ۸۰.
- . چه همان گونه که قبلاً گفتیم اول دانش حدیث شکل گرفت و بعد کم-کم فقه و بعد دانش‌های دیگر به شکل استقلالی مطرح شدند و علوم مختلف به تدریج خودشان را از حدیث جدا کردند. این مطلب در مورد کلام و فقه هر دو صادق است.
- . ر.ک: سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۸۰ - ۸۱.
- . ر.ک: شیخ محمد تقی اصفهانی، هدایة المسترشدين، ص ۴۸۳، سطر ۳۱؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۸۱ - ۸۲.
- . صاحب حدائق در مقدمه‌ی مفصل کتاب خود که در واقع بیانگر نظرات وی در زمینه‌ی اصول فقه است، به این مطلب اشاره می‌کند. این مقدمه حدود ۱۷۰ صفحه است. ر.ک: شیخ یوسف بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱، صص ۱۶۹ - ۱۷۰.
- . ر.ک: شیخ یوسف بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۱، ص ۱۶۷.
- . ر.ک: ابو علی، منتهی المقال، ترجمه‌ی وحید بهبهانی؛ علی دوانی، وحید بهبهانی، ص ۱۲۲.

خصوصیت بارز اخباری-گری

- اخباری‌ها عقل و اجماع را به طور کلی انکار می‌نمودند. در نظر آنها مراجعه به عقل و اجماع در مسایل شرعی و احکام فقهی بدعت در دین بود. بدین ترتیب از چهار منبع استنباط فقط قرآن و سنت را پذیرفتند.

خصوصیت بارز اخباری-گری

- قرآن هم در دیدگاه اخباری، فقط برای «من خوطب به» حجت است که اهل بیت علیهم السلام هستند، و دیگران حق مراجعه‌ی مستقیم به قرآن را ندارند. استفاده‌ی غیر معصوم از قرآن منحصرأً به تفاسیری که ائمه علیهم السلام در زمینه‌ی قرآن دارند، محدود می‌گردد.

خصوصیت بارز اخباری-گری

- با این وصف، بر خلاف گذشتگان که چهار منبع برای شناخت احکام معرفی می نمودند، فقط به یک منبع، یعنی حدیث و سنت، و آنهم به ظاهر حدیث و سنت، اکتفا کردند و بقیه منابع را یا به طور کلی مردود دانسته و منکر شدند، یا حجت آن را برای خواص پذیرفتند.

خصوصیت بارز اخباری-گری

- بنابراین می‌توان اکتفا به ظواهر حدیث را از مشخصه‌های اصلی اخباری-گری قلمداد نمود.